

کاریابی برای دوستِ دوستِ مدیران!

۱۴ تیر، روزِ اعتیاد به کار

این روز رو از طرف بیکاران جویای کار و جویای چیزهای دیگه در پارک‌ها به مدیران معتاد به کار کاربلد کاردرست تقدیم می‌کنیم که بلدن چگونه برای دوستشون و دوست دوستشون که دوست داره بادوست اونا دوست بشه کار درست کنن و نام خودشون رو در اداره مربوطه ماندگار می‌کنن (با جانشینی فرزندانشون در همون اداره!) و حاضر به دل‌کندن از میز و صندلی‌شون نیستن.

۲۱ تیر، روزِ چشم‌رنگی‌ها

این روز رو به حجاب‌استایل‌های چشم‌رنگی تقدیم می‌کنیم که چشم‌هاشون به لطف فیلترهای اینستاگرام سگ‌داره، ولی به لطف شبکه اجتماعی تریبرز که باید فقط توش بنویسن، مشخص شد مغزشون چیز خاصی نداره!

۲۳ تیر، روزِ گفت‌وگو و تعامل سازنده با جهان

این روز رو به سیاست‌یون کشورهای پنج به علاوه یک، دو به علاوه دو، سه به علاوه پنج منهای هشت و گروه جی پنج، آی جی آی، جی تی آی، آس آن، نشد اون (!) و سازمان ملل متحد با کدخدا، تقدیم می‌کنیم که مستمرا گفت‌وگوها و تعامل سازنده‌ای دارن و ضمن ساخت و پاخت باهمدیگه، کار مردم جهان رو هم می‌سازن.

۲۶ تیر، روزِ ایموجی

روزِ ایموجی رو به تو تقدیم می‌کنیم که دو تا آبشار از چشمات سرازیره و دو تا قلب اضافه به جای چشمات کار گذاشتی و با وجود عرق جبین، خنده بر لبات داری، ولی هم‌زمان دستی به زیر چونه‌ات گذاشتی و برافروخته با خودت می‌گی: نکته کارهای من احماقانه باشه و از فرط شرمساری از این خنده‌های

الکی و عشوه‌های شتری استغراق سبز رنگ بالا می‌آری و تصمیم می‌گیری برای خودت دست بزنی که زود متوجه اشتباهت می‌شی و بعدش عینک دودی به چشمات می‌زنی که ببری در افق محبوبشی، ولی می‌بینی عینک دودیت هم سر جاش وانمی‌ایسته و متوجه می‌شی کله‌ت رو وارونه به زمین چسبوندی و اون وقته که دهانت رو باز می‌کنی و می‌گی: وای!

۲۹ تیر، روزِ اکتشافات فضایی

این روز رو به کاشفان هاله‌نور و کرونیاب و نرم‌افزار پیش‌گوی پایتون و جواد خیابانی و مؤسسان پنج به علاوه یک که یکش همون ایرانه تقدیم می‌کنیم و اون‌ها رو تا اکتشافات فضایی دیگه به شما می‌سپاریم! (و خودمون و کشورمون و دانشمندان واقعیش رو به خدا می‌سپاریم!)

میلان

مهرداد محمدی

وکیل مدافع راننده

مسافر عقب‌وسط حرف‌من و راننده پریو گفت:

توقع زیادی به تو گرمای ۳۹ درجه درخواست کولر کنی؟

گفتم: آره که توقع زیادیه. شما می‌دونی اون عزیزانمون که توی عسلویه کار می‌کنن با چه گرمای طاقت فرسایی دست و پنجه نرم می‌کنن؟

گفت: پولشو می‌گیرن.

گفتم: فکر کردی توی این گرونی‌ها با این پول‌ها چیزی می‌دن؟ ضمنا حتما کولر خرابه که روشن نیست. اصلا الان که روزنامه دسته، باروزنامه خودتو باد بزن. باد طبیعی که از روزنامه ساطع می‌شه بهتر از باد مصنوعیه که از کولر تاکسی ساطع بشه.

مسافر روزنامه به دست گفت: ساطع شدن رو

وقتی صندلی جلونشستم، چشمم خورد به این نوشته: قبل از رسیدن، کرایه خود را آماده کنید.

دست توی جیبم کردم ولی جز یک دستمال کاغذی به جامانده از سرما خوردگی پارسال، چیز دیگری داخلش نبود. در همین حین، **مسافر عقب گفت:** آقای راننده، چرا کولر نمی‌زنی؟ در موقعیتی بودم که باید رضایت راننده رانست به خودم جلب می‌کردم.

به راننده گفتم: شما چی می‌کشی از دست این مسافره‌ای پرتوقع؟ چی می‌کشی؟

راننده گفت: من اگه چیزی می‌کشیدم که تست اعتیاد مثبت می‌شد، بعدش دفترچه تاکسی‌رانی بهم نمی‌دادن.

مجبور نیستن این گرما رو تحمل کنن. مثل خسرو شکیبایی توی فیلم هامون شروع کردم به داد زدن: چرا ما انسان‌ها فکر می‌کنیم فقط دیگران خوشبخت‌اند و ما بدبختیم؟ چرا از دوران کودکی همه‌ش فکر می‌کردیم به بچه‌هایی که تو ماشین‌های دیگه هستن بیشتر خوش می‌گذره؟ چرا ما انسان‌ها مرغ همسایه رو غازی می‌پنداریم؟

البته کیفیت صدایم به زنده‌یاد شکیبایی نمی‌رسید. **بعد به راننده نگاه کردم و گفتم:** راننده! تکرار غریبانه روزهایت چگونه گذشت؟

راننده پوزخندی زد و گفت: فهمیدم پول همراهت نیست. فقط سکوت کن دیگه! و من سکوت کردم.

در باره تابیدن نور به کار می‌برن، نه در باره وزیدن باد. اصلا تو چی می‌گی این وسط؟

گفتم: اولاً کسی که چیزی می‌گه این وسط شمایی چون وسط صندلی عقب نشستی. ثانیاً لازم نکرده شمایی یکی به من ادبیات و زبان فارسی یاد بدین. من، خودم، از دانشگاه سر کوچمون مدرکشو دارم. ثالثاً خودخواه نباش. به این فکر کن شما راحت می‌تونی خودتو باروزنامه باد بزنی ولی الان آقای راننده طفلکی، چطوریه خودشو باد بزنه اون هم در حالی که یک دستش به فرمان، یک دستش به دنده؟ **گفت:** خوب کولرشو درست کنه. این تا کسی کنارمونو ببین. شیشه‌هاش بالاست. یعنی کولرشون روشن شه. یعنی

ایجو، مگفتن

فاطمه یوجار

لطف‌ا... سیاهکلی، عضو کمیسیون صنایع مجلس:

مردم در خانه‌های خود ۶۰ میلیارد دلار ارز دارند. برای واردات خودرو کار کرده می‌توانند از آن استفاده کنند.

بهرام عین‌اللهی
وزیر بهداشت:

مردم در خانه‌های خود دارو دارند. برای درمان از همان‌ها استفاده کنند.



گریه‌نره و روباه مکار:
مردم در خانه‌های خود خاک دارند. برای پول دار شدن می‌توانند در آن سکه بکارند.



علی اکبر محرابیان، وزیر نیرو:

مردم در خانه‌های خود دوچرخه دارند. برای جبران کمبود برق می‌توانند با همان، برق تولید کنند.



محمدعلی نیکبخت، وزیر جهاد کشاورزی:

مردم در خانه‌های خود گاو دارند. برای تأمین لبنیات می‌توانند از آن استفاده کنند.



مهرداد بذریاش، وزیر راه و شهرسازی:

مردم در خانه‌های خود آجر و گچ دارند. برای ساخت مسکن می‌توانند از آن استفاده کنند.

